

کردهای عراق از حقوق اساسی نظیر تحصیل به زبان مادری و تا حدودی استقلال داخلی برخوردار بودند، اما اختلاف نظرهایی در مورد چگونگی استفاده از این حقوق وجود داشت و به همین دلیل کشمکش‌هایی بین حزب بعث و حزب دموکرات کردستان آغاز شد. ایران از کردها در مقابل دولت عراق حمایت کرد. هدف ایران از این حمایت آن بود که در مورد مسئله شط العرب [اروند رود] به توافق خاصی دست پیدا کند. بنابراین، دو کشور در سال ۱۹۷۵ قرارداد الجزایر را امضا کردند. عراق که در داخل با کردها درگیر بود در این توافق نامه از سیاست قاطعانه اش در مورد شط العرب [اروند رود] دست کشید.

این رابطه دوستی با انقلاب ایران پایان یافت. ایران تحت رهبری [امام] خمینی [ره] به یک کشور تندرو تبدیل شد که تلاش می کرد بنیادگرایی اسلامی را در سرتاسر خاورمیانه بگستراند. حزب بعث عمیقاً خود را رهبر جهان عرب و سردمدار حرکت پان عربیسم می دید و همین ویژگی باعث می شد به هر حرکت سیاسی ضدبعثی بسیار مشکوک باشد. بنابراین، حکومت مذهبی ایران به رهبری [امام] خمینی «علت» بزرگی برای دسیسه های صدام بود.

شیعیان عراق از [امام] خمینی حمایت کردند و در نتیجه، حزب بعث در اکتبر ۱۹۷۹ تمامی رهبران شیعی را دستگیر کرد. ایران هم در اواخر سال ۱۹۷۹ با حمایت مجدد از کردهای عراق دامنه ی مبارزه ضدبعثی اش را گسترش داد، از حرکات مخفی شیعی در عراق حمایت مادی و معنوی به عمل آورد و سرانجام اینکه برخی حملات تروریستی را به شخصیت های بلند پایه عراقی آغاز کرد که تلاش ناموفق برای ترور طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق در ۱ آوریل ۱۹۸۰ نمونه ای از این حملات مهم بود.^۳

ایران و حزب بعث هر دو اسلام را به عنوان میراث فرهنگی بزرگ اعراب می دانستند. اما از دید حزب بعث، اسلام تابع ملی گرایی عربی و در جایگاهی پائین تر از آن قرار داشت. به دیگر سخن، بعثی ها با سیاسی کردن دین مخالف بودند. از این رو، عراق تلاش کرد از گسترش انقلاب اسلامی ایران جلوگیری کند.^۴

پس از اعلامیه عقب نشینی انگلستان، آمریکا که زیر فشار جنگ ویتنام قرار داشت «سیاست دو ستونی»^(۱) را در خاورمیانه آغاز کرد. این سیاست، امنیت منطقه خلیج فارس [آرا بر دو ستون قرار می داد. ایران با قدرت نظامی اش یکی از این ستون ها و عربستان سعودی با قدرت سیاسی اش ستون دیگر این سیاست بود. این موضوع فرصت بزرگی برای دولت ایران محسوب می شد. این کشور هدف سیاست هایش را خارج کردن عراق از سیاست منطقه ای قرار داد و با این کار موجب شد عراق روابط نزدیک تری با اتحاد شوروی برقرار و راه را برای امضای معاهده دوستی و همکاری سال ۱۹۷۲ هموار کند.

هدف حزب بعث عراق حفظ هویت عربی بود و اگر این هویت در منطقه خلیج فارس [حفظ می شد، عراق می توانست رهبر جهان عرب باشد. ایران تنها رقیب عراق بود که با سیاست

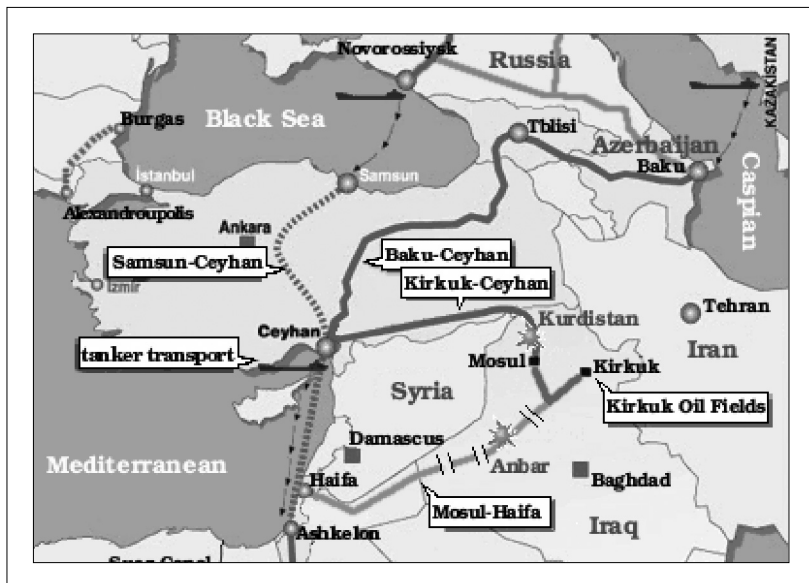
توسعه طلبانه اش بر اساس خط مشی های سیاست دو ستونی به آمریکا و اسرائیل خدمت

می کرد.^۲ از این رو، عراق به تعرض ایران به جزایر سه گانه اعتراض کرد و در مسیر حرکت ایران به پالایشگاه نفت آبادان و بندر خرمشهر موانعی ایجاد کرد.

خط مرزی شط العرب [اروند رود] علت دیگری برای کشمکش بین دو کشور بود. امور حمل و نقل در این رودخانه بر اساس توافق نامه سال ۱۹۳۷ به این شکل بین دو کشور مشخص شده بود که رودخانه تحت حاکمیت عراق باشد و در آن از مقابل آبادان یک خط میانی به عنوان مرز دو کشور مشخص شود. این خط مرزی پس از سال ۱۹۷۱ به یکی از مشکلات بین دو کشور تبدیل شد.

شروع جنگ ایران و عراق
در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ بلافاصله
ترکیه را با دورنمای سیاسی و
اقتصادی ناخوشایندی
روبرو کرد و این وضعیت با
ادامه جنگ بدتر شد

1. twin pillar policy



عراق در داخل، سازمان‌های مخفی شیعی را سرکوب و شهروندان ایرانی تبار را اخراج و در خارج نیز تلاش می‌کرد جبهه عربی متحدی برای جلوگیری از صدور انقلاب ایران سازمان‌دهی کند. از این رو حملات نظامی را علیه حکومت ایران آغاز و از گروه‌های جدایی طلب ایرانی نظیر کردها و اعراب خوزستان حمایت کرد.^۵ در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰، صدام، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را ملغی کرد و

گفت: «رودخانه شط العرب باید هویت عراقی - عربی اش را باز یابد.»

جنگ

عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به خاک ایران تجاوز کرد. عراقی‌ها تعدادی از روستاهای ایران و بندر مهم خرمشهر را اشغال کردند. ایرانی‌ها نتوانستند ضدحمله موافقی داشته باشند و نیروهای عراقی، خوزستان را مورد تاخت و تاز قرار دادند. تا سال ۱۹۸۲، نیروهای ایران به تدریج شروع به پیشروی و حتی ارتش عراق را مجبور به عقب نشینی کردند. این بار، ایران خاک عراق را تصرف کرد. [امام] خمینی و دیگر رهبران ایران خواستار سرنگونی صدام و پرداخت غرامت به ایران برای جبران خسارات ناشی از جنگ در خوزستان بودند. در سال ۱۹۸۴، عراق به موشک‌های اگروسه ساخت فرانسه دست یافت تا بتواند تأسیسات نفتی ایران را در خلیج فارس مورد حمله قرار دهد. ایران نیز به نفت کش‌های حامل نفت اعراب حمله کرد چراکه مدعی بود عراق از درآمدهای حاصل از این نفت کش‌ها برای خرید سلاح‌های جدید استفاده می‌کند. عراق نیز به نفت کش‌های ایرانی حمله کرد و جنگ نفت کش‌ها آغاز شد.

دستاوردهای نظامی ایرانی‌ها در خاک عراق پس از سال ۱۹۸۴ دلیل عمده مداخله ابر قدرت‌ها در جنگ بود. در فوریه ۱۹۸۶، نیروهای ایرانی بندر فاو را تسخیر و تا اواخر ۱۹۸۶ نیز چندین بار برای گرفتن بصره حمله کردند. در اواخر ماه مه ۱۹۸۷، درگیری در جبهه شمالی عراق شدت گرفت. این درگیری حاصل تلاش مشترک نیروهای ایرانی و شورشیان کرد عراقی بود. آنها میادین نفتی عراق در نزدیکی کرکوک و خط لوله انتقال نفت به ترکیه را در شمال تهدید می‌کردند. به همین دلیل ابر قدرت‌ها به طور مستقیم در جنگ مداخله کردند، زیرا بیم آن داشتند که سقوط بصره باعث شود مردم جنوب عراق که عمدتاً شیعه بودند به حمایت از جمهوری اسلامی ایران اقدام کنند.

ابر قدرت‌ها از شدت گرفتن جنگ نفت کش‌ها نیز نگران بودند. ایران طی سال ۱۹۸۷ به ۲۹ فروند کشتی حمله کرد و عراق نیز ۱۵ کشتی کویتی را مورد حمله قرار داد که البته این کشتی‌ها برای ایران نیز اهداف مطلوبی بودند، زیرا این کشور با رابطه نزدیک کویت و رژیم عراق به شدت مخالف بود. کویت دست به دامان ابر قدرت‌ها شد و این اقدام تاحدودی برای حفظ روند صدور نفت و عمدتاً برای پایان دادن به جنگ از طریق مداخله ابر قدرت‌ها صورت گرفت. مسکو ۳ فروند

مناطق جنوب شرقی ترکیه در نزدیکی مرز شرقی اش محسوب می شد. این مسئله در ماه مه ۱۹۸۳ خود را نشان داد؛ یعنی زمانی که دولت مرکزی عراق تضعیف شد، کردها از این فرصت استفاده کردند و به خاک ترکیه وارد شدند و موجب ترس و وحشت روستاهای جنوب شرقی این کشور شدند.

هر دو طرف جنگ، با ترکیه مرز مشترک داشتند و عبور از خاک این کشور تنها راه دسترسی هوایی آنها به اروپا بود. بنابراین، موضع ترکیه در مورد جنگ بسیار مهم بود. ترکیه اعلام بی طرفی کرد، اما به دو دلیل روابط آنکارا با بغداد از روابطش با تهران بهتر بود. اول، اقلیت کرد ترکیه در چند سال گذشته در منطقه ای مجاور کردستان عراق مسلح شده بودند و آنکارا برای مقابله با آنها فعالانه با بغداد همکاری می کرد و دوم، ترکیه که از سال ۱۹۲۴ یک جامعه سکولار بود با عراق تحت سلطه بعضی ها مشترکات زیادی داشت و در نگرانی بغداد از بنیادگرایی اسلامی در داخل مرزهایش شریک بود.^۶

مسئله کردها

از نظر ترکیه، شروع مجدد شورش کردها در جنوب شرقی این کشور زیان آورترین نتیجه جنگ ایران و عراق است.^۷ کردها همواره در ترکیه تحت کنترل دولت مرکزی بوده اند و امکان هیچ حرکتی برای طرفداری از کردها در این کشور وجود نداشته است. جنگ باعث شد کنترل عراق بر مناطق مرزی اش از بین برود. پس از اینکه عراق نیروهایش را از مناطق کردنشین در شمال به جبهه جنگ با ایران منتقل کرد، کردها فضا و آزادی عمل بیشتری برای انجام دادن عملیات علیه ترکیه پیدا کردند. نیروهای حزب کارگران کردستان (پ ک ک)^(۸) که یک سازمان تروریستی گرد بود پس از حمله به برخی اهداف نظامی و غیرنظامی در خاک ترکیه به مقر خود در شمال عراق برمی گشتند. ترکیه برای مقابله با کردها همکاری مشتاقانه ای با عراق داشت و در سال ۱۹۷۸ پیمانی بین دو کشور منعقد شد که بر اساس آن هر دو طرف مجاز بودند «عوامل خرابکار» را تا عمق ۹ مایلی در خاک یکدیگر تعقیب کنند. در ماه مه ۱۹۸۳، نیروهای ترکیه

نفت کش به کویت اجازه داد و آمریکا نیز تا ژوئن ۱۹۸۷ پرچم خود را بر ۲۲ فروند نفت کش کویتی نصب کرد. سرانجام، حمله به کشتی های ابر قدرت ها پای آنها را به جنگ باز کرد.

مداخله ابر قدرت ها و به ویژه آمریکا به تضعیف اقتصاد ایران و تغییرات در بسیاری از جبهه ها به ضرر ایران منجر شد. ادامه استفاده عراق از موشک ها و تسلیحات شیمیایی علیه مناطق غیر نظامی و حمایت ابر قدرت ها از اقدامات جنگی این کشور نشان داد عراق و ابر قدرت ها تصمیم گرفته اند دامنه جنگ را به هر قیمتی گسترش دهند، بنابراین ایران در ۲۰ اوت ۱۹۸۸ با آتش بس موافقت کرد.

ترکیه و جنگ ایران و عراق

شروع جنگ ایران و عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ با بلافاصله ترکیه را با دورنمای سیاسی و اقتصادی ناخوشایندی روبرو کرد و ایسن وضعیت با ادامه جنگ بدتر شد. امنیت ملی ترکیه به چند دلیل در معرض خطر بود. اول،

ادامه جنگ می توانست تندروری حکومت ایران را افزایش دهد و احتمالاً موازنه منطقه ای را به هم بزند. در این صورت، منطقه بلافاصله آماده پذیرش نفوذ شوروی می شد. دوم، جنگ ممکن بود از مرزهای ایران و عراق فراتر رفته، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را نیز درگیر کند و به جنگ ایران با جهان عرب تبدیل شود. در چنین شرایطی و به ویژه اگر ابر قدرت ها مداخله می کردند، ترکیه به رغم اینکه مصمم بود خود را از جنگ خاورمیانه دور نگه دارد ممکن بود به طور کامل در آن درگیر شود. سوم، جنگ می توانست تأثیراتی منفی بر ساختار جمعیتی و قومی منطقه برجای بگذارد و این مسئله تهدیدی برای امنیت

ممکن بود این جنگ از مرزهای ایران و عراق فراتر رفته، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را نیز درگیر کند و به جنگ ایران با جهان عرب تبدیل شود

می بخشید و در عین حال از گروه های تروریستی حمایت می کرد که خواهان سرنگونی دولت های آن کشورها بودند. ایران طی جنگ، نمادها و سنن ملی دولت ترکیه را مورد حمله قرار داد (نمادهایی که عمدتاً با مصطفی کمال آتاتورک مؤسس جمهوری سکولار ترکیه مرتبط بودند). در سیاست داخلی ترکیه مداخله و به ممنوعیت ورود دانشجویان محجبه مذهبی به دانشگاه اعتراض می کرد. علاوه بر این، حکومت [امام] خمینی از کمال الدین کاپلان^(۱) حمایت می کرد که یک واعظ ضد رژیم بنیادگرای مقیم آلمان بود و هواداران بسیاری در میان کارگران ترک در اروپا داشت.^(۲)

«الگوی» ایران دلیل

اصلی ادعاها و تلاش های گروه های بنیادگرای ترک برای تشکیل یک حکومت اسلامی بود. این گروه ها با عناوینی نظیر حزب ا.،،،، جبهه مبارزان اسلامی شرق پهناور^(۳) و اسامی دیگری از این دست به صورت مسلحانه با نیروهای نظامی ترکیه وارد جنگ شدند. تمامی

از نظر ترکیه، شروع مجدد

شورش کردها در

جنوب شرقی این کشور

زیان آورترین نتیجه جنگ

ایران و عراق است

اعلامیه های این سازمان ها حاکی از آن است که انقلاب ایران و احیای هویت اسلامی در خاورمیانه علل اصلی شکل گیری آنها محسوب می شود. این اعلامیه ها بیان کننده این است که جنگ ایران و عراق باعث شد مقاومت اسلامی در برابر آمریکا و عراق «شروع» شکست بخورد. لازم به ذکر است که همچنان تمایل فزاینده ای برای بازتولید انقلاب اسلامی در جامعه ترکیه وجود دارد.

اوضاع اقتصادی

ترکیه در آغاز سال ۱۹۸۰ مشکلات اقتصادی زیادی داشت. این کشور در ۲۴ ژانویه ۱۹۸۰ سیاست جانشینی

برای انهدام مقر چریک های کرد در مناطق تحت اشغال حزب دموکرات کردستان تا عمق ۱۸ مایلی کردستان عراق نفوذ کردند. طارق عزیز پس از این عملیات به آنکارا رفت تا همکاری امنیتی دو جانبه را هر چه بیش تر تقویت کند. حاصل این سفر، امضای یک موافقت نامه در اکتبر ۱۹۸۴ بود که بر اساس آن هر دو طرف اجازه یافتند در عمق ۱۸ مایلی خاک یکدیگر به عملیات برون مرزی دست بزنند. دادن این اجازه به نیروهای نظامی ترکیه با سیاست صدام مغایرت داشت؛ سیاستی که «تسهیل حضور ارتش، پایگاه و نیروهای نظامی بیگانه در سرزمین عربی را با هر بهانه و دستاویز و به هر دلیلی رد می کرد».^(۴)

تحركات حزب کارگران کردستان (پ ک ک) و شورش کردها به عنوان نتیجه جنگ ایران و عراق تأثیری منفی بر ترکیه داشت. بنیان های رژیم این کشور تحت تأثیر قرار گرفت و مسئله کردها به یک گفتمان بین المللی و در نهایت به یک مشکل داخلی و خارجی برای ترکیه تبدیل شد؛ مشکلی که همچنان، مانعی برای ثبات سیاسی ترکیه است.

بنیادگرایی اسلامی

در اینجا نیز باید به این نکته اشاره کرد که بنیادگرایی شیعی حکومت [امام] خمینی خطر آشکاری برای ترکیه بود؛ کشوری که حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیتش اصالتاً شیعه هستند.^(۵) در واقع، [امام] خمینی پس از پیروزی بلافاصله اعلام کرد که رژیم ترکیه به زور سرنیزه حکومت می کند و معتقد بود رهبران ترک نیز با سرنوشته مشابه سرنوشته شاه روبرو هستند. کمی پس از این اظهارات، ارتش ترکیه وارد عمل شد و کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ در ترکیه رخ داد.

بنابراین، به رغم اینکه ترکیه طی جنگ روابط دیپلماتیک خود را با ایران و عراق حفظ کرد و حتی راه دسترسی ایران به غرب را نیز فراهم کرد، پیروزی نهایی عراق نفع بیشتری برایش داشت، زیرا جلوی گسترش نفوذ انقلاب ایران را سد می کرد.^(۶)

ایران برای صدور انقلابش از الگوی شوروی پیروی می کرد؛ یعنی روابطش را با همه کشورها بهبود

1. Cemalettin Kaplan

2. Islami Buyukdogu Akincilar Cephesi (IBDA-C)



واردات^(۱) را کنار گذاشت و وارد بازار صادرات و صنعت شد؛ صنعتی که می توانست با بازارهای بین المللی رقابت کند. اما تجربه بخش صنعت ترکیه در زمینه صادرات محدود بود و اختیارات اقتصادی پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به طور کامل به دولت جدید سپرده شد. ایران و عراق هر دو به علت انزوای بین المللی برای تهیه کالاهای مورد نیازشان که از ترکیه یا کشورهای غربی وارد می شد

مجبور بودند به ترکیه به عنوان یک منبع اصلی تکیه کنند. ترکیه نیز با اتخاذ موضع بی طرفی در جنگ به شریک تجاری عمده هر دو طرف تبدیل شد. ایران و عراق که احساس می کردند قیمت تولیدات ترکیه چندان بالا نیست برای برآورده کردن نیازهای وارداتی شان به طور فزاینده ای به این کشور روی آوردند.

طی دهه ۱۹۸۰، جنگ با ایران باعث شد رژیم عراق برای همکاری کامل با ترکیه و نیز انجام دادن تبادلات تجاری با این کشور انگیزه بالایی داشته باشد. ترکیه به سرعت به یکی از خریداران اصلی نفت بغداد تبدیل شد تا آنجا که ۶۰ درصد از نفت مصرفی ترکیه از عراق وارد می شد. هنگامی که ترکیه «خطر فروپاشی عراق در زیر فشار پیشروی ایرانی ها» را احساس کرد، کامران اینان^(۲) وزیر کشور ترکیه آشکارا هشدار داد که «دست کم ۷۵ میلیون ترک و ترکمن در مناطق شمالی عراق زندگی می کنند.» در واقع اینان می خواست بر این نکته تصریح کند که در صورتی که پیشروی ایرانی ها به تجزیه عراق بینجامد، ترکیه حق پیش دستی را برای خود محفوظ می داند.

در سال مالی ۸۵-۱۹۸۴، حجم تجارت ترکیه با ایران به ۲۳۰ میلیون دلار رسید که این کشور را پس از آلمان و

ژاپن به سومین شریک تجاری ایران تبدیل کرد.^(۳) ایران با فروش روزانه ۱۰۰/۰۰۰ بشکه نفت به ترکیه تراز تجاری اش را با این کشور همسایه تنظیم می کرد. آنکارا به رغم آنکه از حملات عراق به نفت کش های تحت مالکیت ترکیه در ماه های مه و ژوئن ۱۹۸۵ رنجیده بود، به روابط صمیمانه اش با عراق ادامه داد. ترکیه و عراق علاقه شدیدی به ادامه همکاری نظامی شان در زمینه سرکوب شورش کردها در نوامبر ۱۹۸۵ داشتند. ترکیه برای احداث دومین خط لوله انتقال نفت با ظرفیت ۷۱ میلیون تن در سال (۷۴ میلیون بشکه در روز) یک قرارداد با عراق امضا کرد.

اما در اینجا باید تأثیرات منفی وارد بر اقتصاد ترکیه را نیز ذکر کرد. نه تنها خط لوله انتقال نفت عراق به شهر اسکندرون ترکیه مسدود شد، نفت کش ها نیز نمی توانستند وارد خلیج فارس شوند و هنگامی که انتقال نفت ایران و عراق متوقف شد، ذخایر نفت ترکیه به میزان بسیار زیادی کاهش یافت.

یکی دیگر از زیان های جنگ، تهدید فزاینده خط لوله انتقال نفت کرکوک - یومورتالیک^(۳) بین ترکیه و عراق بود که با شروع جنگ قطع شده بود. بمباران این خط لوله در طی جنگ هم به معنای کاهش یا توقف انتقال نفت از عراق و هم به معنای کاهش حق عبور این

1. import substitution policy

2. Kamran Inan

3. Yumurtalik

قوی ترین ارتش منطقه در مقایسه با ساختار بنیاد گرای ایران یک الگوی سکولار برای کشورهای منطقه محسوب می شود.

نتیجه گیری

به عنوان نتیجه گیری می توان گفت به طور کلی تأثیرات جنگ ایران و عراق بر ترکیه منفی بوده است. ملی گرایی کردی سر بر آورد و تروریست های گُرد پناه گاه هایی در مناطق شمالی بی ثبات عراق برای خود پیدا کردند. استفاده از نیروی نظامی علیه این تروریست ها و انجام دادن عملیات نظامی ترکیه در عراق طی جنگ نیز باعث

شد جامعه بین الملل نسبت به مسئله کردها حساس شود.

تأثیر بنیادگرایی اسلامی در ترکیه به اندازه ملی گرایی کردی اهمیت ندارد و تنها تأثیر منفی آن انعکاس انقلاب اسلامی به عنوان یک الگو برای گروه های تروریستی اسلامی بنیادگرا در ترکیه است که قصد دارند یک کشور اسلامی مانند ایران تأسیس کنند.

در حوزه اقتصادی می توان پیامد توقف انتقال نفت و عدم پرداخت بدهی های [ایران و عراق] را بر اقتصاد ترکیه مشاهده کرد. این تأثیرات باعث افول سیاست های صادراتی ترکیه و افزایش بدهی های خارجی این کشور شد.

می توان این نکته را دریافت که بی طرف بودن [در یک جنگ] و در عین حال تلاش کردن برای رسیدن به بیش ترین منافع به عنوان یک ابزار سیاست خارجی نمی تواند کارکرد مؤثری داشته باشد. این بی طرفی در داخل ترکیه به معضلی برای سیاست های اقتصادی و سیاسی این کشور تبدیل شده است.

خط لوله بود که ۶۹۰ کیلومتر آن از خاک ترکیه عبور می کرد.

علت روی آوردن ایران و عراق به کالاهای ترکی، شرایط اعتباری گشاده ای بود که ترکیه به هر دو کشور ارائه می کرد. اما عراقی ها با گذشت زمان دریافتند که قادر نیستند هزینه خریدهایشان را پرداخت کنند و تا سال ۱۹۸۸ میزان بدهی آنها به ترکیه به ۳ میلیارد دلار رسیده بود. ناتوانی عراق از پرداخت بدهی هایش برای دولت ترکیه به یک معضل سیاسی بالقوه تبدیل شد. عراق حتی به دنبال آن بود که کشورهای جدیدی بیابد که اعتبارات صادراتی بهتری در اختیارش قرار دهند. ایران نیز با مشکل پرداخت دست به گریبان بود. جنگ دیگر مانند گذشته برای ترکیه سود آور نبود.^{۱۳}

تأثیرات این رکود اقتصادی یکی از عوامل عمده بی ثباتی فعلی در اقتصاد ترکیه است. ترکیه به علت مشکلات عراق و ایران در پرداخت بدهی هایشان مجبور شد از کشورهای غربی اعتبار بگیرد که این به افزایش بدهی های خارجی این کشور از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۶۵ میلیارد در سال ۱۹۸۸ منجر شد. پیامد ناشی از قطع جریان انتقال نفت نیز یکی دیگر از عوامل افول اقتصادی ترکیه محسوب می شود.

اهمیت راهبردی ترکیه

پس از وقوع انقلاب ایران، روابط آمریکا و ترکیه به میزان بسیاری بهبود یافت. آمریکا برای جلوگیری از تأثیر بنیادگرایی اسلامی بر رژیم دموکراتیک ترکیه از هیچ گونه حمایتی از این کشور مضایقه نمی کرد. پس از پیشروی نیروهای ایرانی در خاک عراق، آمریکا با اعزام هیئت هایی به ترکیه از این کشور خواست که ارتش خود را برای ضمیمه کردن سریع استان های نفت خیز شمال عراق (نظیر کرکوک) آماده کند و مانع از تصرف این مناطق توسط ایران شود.^{۱۴} اما مقامات ترک این سناریوها را رد کردند.

ترکیه پس از انقلاب ایران احساس کرد که به قوی ترین کشور مسلمان منطقه تبدیل شده است. پس از پایان جنگ می توان تأثیر فزاینده ترکیه را در منطقه مشاهده کرد؛ کشوری که با داشتن بزرگ ترین و

**جنگ با ایران باعث شد
عراق برای همکاری کامل
با ترکیه و نیز انجام تبادلات
تجاری با این کشور انگیزه
بالایی داشته باشد**

14. Bruce Kuniholm. "Retrospect and Prospect: Forty Years Of US Middle East Policy", The Middle East Journal. Vol.41, No.1., Winter 1987, pp.7-25.

یادداشت‌ها

1. Kermit Roosevelt. Counter Coup: The Struggle For The Control of Iran (London: McGraw Hill, 1979), p.35.
2. ABSP, Revolutionary Iraq, 1968-1973: The political report adopted by the English Regional Congress of the ABSP of Iraq, Baghdad, 1974, p.210.
3. Efraim Karsh, "Military Power and Foreign Policy Goals: The Iran-Iraq War Revisited", International Affairs, Vol.64, No.1, 1988, pp.83-95 and Dilip Hiro. The Longest War. (London: Grafton Books, 1989), p.35.
4. J.M. Abdulghani, Iraq and Iran: The Years Of Crisis. (London: Croom Helm Ltd., 1984), p. 181.
5. Karsh. Ibid, pp. 87-88.
6. Dilip, Hiro, Ibid, p. 81.
7. Henri J. Barkey, "The Silent Victor: Turkey's Role in the Iran-Iraq War," in Efraim Karsh (ed.) The Iran Iraq War: Strategic and Political Implications (London: Macmillan, 1989), p. 141.
8. Thomas Naff, Gulf Security and the Iran-Iraq War, (Washington: National Defense University Press, 1985), p. 146
9. http://www.adherents.com/largecom/com_shiite.html 90 % of the Shi'ite population in Turkey are of Alawi origin, as the remaining 10 % are mainly Caferis.
10. Henri J. Barkey, Reluctant Neighbour: Turkey's Role In The Middle East. (Washington: US Institute of Peace Press, 1996), p. 45.
11. Henri J. Barkey, The Silent Victor, p. 143.
12. More information about the trade relations between Turkey and Iran can be found at: <http://reference.allrefer.com/country-guidestudy/iran/iran119.html>
13. Henri J. Barkey, The Silent Victor, p. 140.